خارج فقه ج- 103 - افعال وضو – 1400.12.24

موضوع: (فصل فی افعال الوضوء - ادله وجوب شستن صورت و دست از بالا به پایین - اشکالات استاد به ادله)

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

یکی از مسائل این است که شستن صورت از بالا به پایین آیا واجب است و یا اینکه از پایین به سمت بالا هم جایز است؟ بسیاری از فقهای شیعه -هم از قدما و هم متأخرین- شستن از بالا به پایین را واجب می‌دانند و اما به برخی از فقها نسبت داده‌شده که از پایین به بالا هم جایز است مثل سید مرتضی و یا شهید اول و ابن ادریس. اما مشهور بر وجوب شستن از بالا به پایین به سه دلیل استدلال کرده­اند:

دلیل اول: اصالة الاشتغال است که اگر کسی از پایین به بالا بشوید و شک کند که ذمه‌اش بریء شده است یا نه؟ به مقتضای قاعده اشتغال باید از بالا به پایین بشوید.

اشکال استاد: دلیل فوق مخدوش است چون در نماز اقل و اکثر ارتباطی است و حقیقت وضو غسلتان و مسحتان است و لذا شک در بالا و پایین شک در زائد است و در شک در زائد برائت جاری می‌شود بله اگر شک در مکلفٌ به باشد اصالة الاشتغال جاری است مثلاً شک کند که برعکس شستن صورت رافع حدث اصغر هست یا نه، اصالة الاشتغال جاری می‌شود مضافاً اینکه اصالة الاشتغال دلیل فقاهتی است اما آیات و روایات دلیل اجتهادی است و باوجود دلیل اجتهادی نوبت به دلیل فقاهتی نمی‌رسد.

دلیل دوم: یکی از آیات آیه ﴿اذا قمتم الی الصلاة فاغسلوا وجوهکم﴾ است که مرحوم شیخ بهایی می‌فرماید که «المطلق عند الإطلاق ینصرف الی الفرد الشایع» در اینجا جاری است، خدا آیه را مطلق فرمود ﴿فاغسلوا وجوهکم﴾ و مقید نکرد و فرد رایج و شایع صورت از بالا به پایین است لذا انصراف به همین نحوه شستن دارد.

اشکال استاد بر این نظریه: اگر منشأ انصراف غلبه باشد حق با شماست چون غلبة الاستعمال موجب انصراف می‌شود اما این انصراف حجت نیست و مشمول قاعده المطلق عند الإطلاق ینصرف الی الفرد الشایع نمی‌شود چون انصرافی حجت است که خودبه‌خود بدون استعمال، گرایش به سمت فرد شایع پیدا کند اما اگر بر اثر غلبة الوجود و استعمال باشد این انصراف ظهور سازی نمی‌کند.

شاهد بر این اشکال: اگر شستن صورت از بالا به پایین فرد شایع باشد لازم می‌آید فروکردن صورت یا دست‌ها در آب در وضوی جبیره ای واجب نباشد چون در فرد شایع استعمال شده است درحالی‌که کسی نمی‌گوید یا کسی که انگشت زائدی دارد لازم می‌آید که شستن آن واجب نباشد که چون فرد شایع نیست درحالی‌که باید شسته شود.

دلیل سوم: سنت است و روایات زیادی است و عمده بر روی دو روایت است:

روایت اول: عبد الله بن جعفر الحميري في (قرب الإسناد) عن أحمد بن محمد، عن ابن محبوب، عن أبي جرير الرقاشي قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى‏(علیه السلام) كَيْفَ أَتَوَضَّأُ لِلصَّلَاةِ- فَقَالَ لَا تَعَمَّقْ‏ فِي‏ الْوُضُوءِ وَ لَا تَلْطِمْ وَجْهَكَ بِالْمَاءِ لَطْماً- وَ لَكِنِ اغْسِلْهُ مِنْ أَعْلَى وَجْهِكَ إِلَى أَسْفَلِهِ بِالْمَاءِ مَسْحاً- وَ كَذَلِكَ فَامْسَحِ الْمَاء عَلَى ذِرَاعَيْكَ وَ رَأْسِكَ وَ قَدَمَيْكَ.[[1]](#footnote-1) (لا تلطم یعنی آب را نپاش).

تقریب استدلال: امام علیه‌السلام صریحاً فرمودند از بالا به سمت پایین شسته شود و برعکس آن جایز نیست، جناب ابی جریر الرقاشی در رجال مجهول است و در عین حال به دو جهت این روایت را مورد توجه قرار داده‌اند، جهت اول: اینکه مرحوم محدث بحرانی در حدائق ج ۲ ص ۲۳۳ که می‌فرماید این روایت در کتاب قُرب الاسناد است و این کتاب معتبر و مشهور بین محدثین و فقهاست لذا ضعف راوی مضر نیست، جهت دوم: اینکه عمل اصحاب به این روایت و فتوا دادن اصحاب، ضعف سند جبران می‌شود.

اما مشکل در دلالت روایت این است که در روایت کلمه «مسحاً» دارد که آب را به صورت نزنید بلکه بکشید و کلمه «مسحاً» مفعول مطلق است و باید فعل آن‌هم از جنس خودش باشد لذا امر به غَسل هم به معنای امسح است یعنی وامسحوا مسحا که معنای روایت این می‌شود که اِمسح الوجه بالماء وجها و از آن طرف اجماع داریم که کشیدن مستحب است و این روایت قرینه است که امام در مقام بیان وجوب ابتدا از بالا نیست بلکه حضرت در مقام بیان یک حکم استحبابی هستند.

جواب آقای حکیم: کلمه «مسحاً» حال است یعنی برای رساندن آب به صورت در حالی شروع کن که با دست مسح کن لذا فاغسلوا به معنای شستن است و «مسحاً» کیفیت شستن است و در ظهور روایت هم تصرف نشده چون اغسلوا به معنای شستن است.

اشکال استاد: شرط حال این است که ذو الحال باید معرفه باشد اگر «مسحاً» حال برای مغسول باشد حق با شماست و مغسول یعنی صورت و صورت معرفه است درحالی‌که امام علیه‌السلام نظر به خود غَسل دارند که به چه کیفیتی شسته شود و اصل شستن منظور است و لذا قطعاً مفعول مطلق است و به نظر ما دلالت روایت مشکل دارد.

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. - وسائل الشيعة، باب 15 من ابواب الوضوء، ح22. [↑](#footnote-ref-1)